



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الربما  
علیهما صاب

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# باورداشت مهدویت

نویسنده:

آیت الله شیخ لطف الله صافی گلپایگانی

ناشر چاپی:

دفتر آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۶	باورداشت مهدویت
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه ناشر
۷	باورداشت مهدویت
۱۸	الهام گیری از باورداشت مهدویت
۲۱	اساس عقیده به مهدویت
۲۳	کتابهای مستقل درباره مهدویت
۲۷	اسامی مشایخ و اساتید فن و صاحبان کتاب های جامع حدیث
۲۷	اسامی برخی از مشاهیر از تابعین
۲۹	چهل حدیث پیرامون باورداشت مهدویت
۵۶	درباره مرکز

سرشناسه: صافی گلپایگانی، لطف الله، ۱۲۹۷ -

عنوان و نام پدیدآور: باورداشت مهدویت / لطف الله صافی گلپایگانی.

مشخصات نشر: انتشارات حضرت معصومه علیها السلام ۱۵ شعبان المعظم ۱۴۱۷

فروست: سلسله مباحث امامت و مهدویت؛ ۱۳.

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: م ح م د بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق -

موضوع: مهدویت

### مقدمه ناشر

بسم الله الرحمن الرحيم

حمد و سپاس خداوند جل و علی را که عنایت نمود در آستانه یک هزار و یکصد و شصت و دومین سالروز ولادت پر برکت حضرت ولی عصر حجه ابن الحسن العسکری ارواحنا فداه چهارده اثر از سلسله مباحث امامت و مهدویت به قلم حامی و مروج مکتب اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و نگهبان مخلص مرزهای عقیده، مرجع عالی قدر حضرت آیه الله العظمی حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی (مد ظله تعالی) را به منتظران و شیفتگان لقای آن حضرت تقدیم نمایم. این آثار گران قدر شامل بحثها، پرسشها و پاسخهای گوناگون پیرامون زندگی، خصائص، اوصاف، غیبت و ظهور آن حضرت، توسط آن مرجع بزرگ در سنوات گذشته در مناسبتها و فرصت هایی پیرامون موضوع بسیار ارزنده و بنیادین

[ صفحه ۶ ]

ولایت و امامت عامه و خاصه خصوص امامت و مهدویت حضرت بقیه الله مولانا حجه بن الحسن العسکری ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداه تالیف و بوسیله ناشران معتبر کشور مکررا چاپ و نشر گردیده است. سیزدهمین اثر از این سلسله مباحث به نام باورداشت مهدویت است، امیدواریم چاپ این کتاب شریف مورد رضای خداوند متعال و منظور نظر کیمیا اثر حضرت بقیه الله مهدی موعود - عجل الله تعالی فرجه الشریف - و عاکفان عتبه مقدس آن غوث زمان و قطب

## باورداشت مهدویت

بدون شک، عقیده به مهدویت و اعتقاد به ظهور حضرت مهدی علیه السلام به عنوان منجی عالم بشریت باوری صرفاً اسلامی است که بر اساس کتاب و سنت پدید آمده و همگی مسلمانان پیشین و پسین، بر آن اتفاق نظر دارند و حتی گروهی از بزرگان و صاحب نظران به متواتر بودن [۱] احادیث وارده در این باب حکم نموده اند. این باورداشت، به عنوان اندیشه ای اسلامی، بر پایه قویترین برهان های نقلی و عقلی استوار است و بررسی تاریخ و شواهد بسیار آن، بهترین تایید بر صحت و متانت آن به شمار می رود و هیچ یک از مسلمانان - چه از شیعیان و چه از اهل سنت - به انکار یا تشکیک در آن نپرداخته است، مگر برخی از تازه به دوران رسیدگانی که تحت تاثیر

تبلیغات غربیان قرار گرفته و در دام های استعمار گرفتار آمده و فرهنگ را جز با انکار الهام و روایات قطعی و یا تعریف و تاویل آن در چهارچوبه مقاصد منکرین دیانت و مادی گرایان تفسیر و تحلیل نمی کنند. این کژاندیشان بدین وسیله کوشیدند. تا دری را بگشایند که اگر - خدای نخواست - گشوده گشت، دیگر راهی برای اعتماد بر سنت و استناد به آن و اطمینان به ظاهر کتاب و سنت باقی نمی ماند و آیین شریف اسلام و دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله بر اساس خواسته بدعت گزاران و هواپرستان، دستخوش تغییر و تحریف قرار می گیرد. براستی

اگر چنین روایاتی که بزرگان علم حدیث و کار آموزدگان و نام آوران این رشته در گذشته و حال به تواتر و قطعی بودن آنها تصریح کرده اند، بتواند مورد انکار و تردید قرار گیرد، پس وضع و حال دیگر روایاتی که خبر واحد [۲] شمرده می شوند، یا حد اقل در این درجه از اعتبار نیستند، چه خواهد بود؟ گروهی از اندیشمندان اسلامی نسبت به این گونه منحرفین از کتاب و سنت، که با جرات و جسارت نسبت به ساحت قدس خداوند و پیامبر گرامیش صلی الله علیه و آله، به ایجاد شک و تردید و تحریف، در اصل مسلم مهدویت پرداخته اند، اعلام خطر نموده، و کتابها و مقالاتی را در رد و ابطال نظریات آنان نگاشته اند.

[ صفحه ۱۱ ]

آنچه مسلم است اینکه، در پس پرده این توطئه، جز دستهای پلید کسانی که در صدد سست کردن اعتقادات مسلمانان و خدشه دار کردن متون اسلامی هستند، دستی را نمی توان دید. در گذشته همین التزام و اعتقاد و پایبندی مردم به کتاب و سنت پاک پیامبر صلی الله علیه و آله بود، که دشمنان و استعمارگران را از نفوذ در کشورهای اسلامی باز می داشت و راه سلطه بر این بلاد را بر روی آنان می بست و اکنون نیز به خوبی پیداست که چیزی جز سست شدن همین مبانی اعتقادی و کم شدن پایبندی ها به قرآن مجید و روایات شریفه نیست، که راه نفوذ و سلطه را بر بیگانان گشوده است! - خداوند ما را از فتنه های گمراهان و هواپرستان و مزدوران استعمار در امان بدارد - خنده



آور است که این بی خبران و غرب باوران - که به شدت دور از شناخت حقایق اسلامی و فهم مصالح مسلمین اند - در تضعیف باور مهدویت و احادیث مربوط به آن، گاهی به این بهانه تمسک جسته اند، که این عقیده اصولاً از عقاید پیشگامان اهل سنت نیست و در بین صحابه قرن اول هجری و تابعین ذکری از آن به میان نیامده است. گاهی دایه مهربانتر از مادر شده، این عقیده را سبب اختلاف و درگیری بین مسلمانان و قیام علیه حکومت ها و موجب تبلیغات سیاسی دانسته اند و گاهی نیز به برخی اختلافاتی که بین پاره ای از احادیث این باب است، استناد کرده اند. [۳].

[ صفحه ۱۲ ]

و همه اینها، از عجیب و غریب ترین نوع استدلالاتی است که در رد سنت شریف نبوی صلی الله علیه و آله به آن تمسک شده است. از آن رو که: اولاً: بر وقوع ذکر این عقیده بین صحابه و تابعین صدر اول اسلام و بر اینکه خود پیامبر صلی الله علیه و آله و اولین پایگاه برای نشر عقیده به مهدویت در بین مسلمانان بوده اند، چه دلیلی قوی تر و محکم تر از وجود خود این احادیث متواتره، در اصلی ترین و معتبرترین کتاب های اهل سنت؟! و چه برهانی روشن تر از اجماع علمای مسلمین، و اینکه آنان هیچ کس از مدعیان مهدویت را با استناد به عدم صحت ظهور مهدی علیه السلام رد نکرده اند، بلکه در رد ادعای چنان افرادی، به عدم وجود صفات و نشانه های خاص مهدی علیه السلام در آنها استناد کرده

اند. چنانکه حکایت محمد بن عجلان با جعفر بن سلیمان و آنچه فقیهان و اشراف اهل مدینه درباره آنان گفته اند، شاهدی آشکار در این زمینه به شمار می رود. [۴].

[ صفحه ۱۳ ]

پس اگر این همه احادیث، با توجه به فراوانی و تواتری که دارند و با عنایت به اجماع و اتفاقی که از ناحیه علمای اسلامی بر مضمون این احادیث صورت گرفته است، نتواند دلیل بر صحت و استواری عقیده به مهدویت باشد پس به کدامین دلیل می توان استناد کرد؟ و درستی انتساب کدامین عقیده اسلامی به صحابه و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را می توان اثبات نمود؟ ثانیاً: شاید هرگز هیچ عقیده و یا اصلی را نتوان یافت که بر سر آن اختلاف و درگیری و نزاع صورت نگرفته باشد. حتی می توان گفت که پیرامون مسائل خداشناسی و نبوت پیامبران الهی علیهم السلام نیز نزاع ها و درگیری ها، بیش از مسئله مهدویت به وقوع پیوسته است. چنانکه بین مکتب اشاعره و غیر آنان و بین پیروان مذاهب شافعی، حنفی، حنبلی، مالکی و غیر آنان درگیری ها بلکه جنگ های خونین بسیار اتفاق افتاده است. بلکه می شود گفت: بر سر مفاهیمی همچون عدالت و امنیت و سایر مفاهیمی که همه انسان ها بر لزوم آن اتفاق نظر دارند و بر سر تحقق آنها و یا دفع کسانی که آنها را وسیله ای برای مقاصد سیاسی خویش قرار می دادند، جنگ های خانمان برانداز و معرکه های خونینی در گرفته است و چه بسا که تعداد قربانیان بشریت، که به اسم اقامه حق

[ صفحه ]

و رعایت عدالت و برابری و حمایت از آزادی انسان و حقوق او به خاک و خون غلطیده اند، بیشتر از تعداد قربانیان هر موضوع و عنوان دیگری باشد. نتیجه اینکه، پوشیده شدن حق به باطل، و عرضه باطل به جای حق، اگر چه از طرف اهل باطل و منحرفین، زیاد انجام می پذیرد، لکن به حق ضرری نمی رساند و خدشه ای وارد نمی کند. چنانکه خداوند بزرگ می فرماید: (بل نقدف بالحق علی الباطل، فیدمغه فاذا هو زاهق و لکم لویل مما تصفون) [۵].

بلکه ما، حق را بر باطل می افکنیم تا آن را درهم شکافد و باطل را نابود گرداند، آن زمان باطل از بین رفته و باطل شدنی است. و ای بر شما، از آنچه درباره خداوند توصیف می کنید. علاوه بر اینکه باید توجه داشت که فریب خوردن عوام و قبول ادعای دروغین دجال گونه های مدعی مهدویت [۶] توسط آنان در بیشتر موارد به خاطر عدم آشنایی آنان به نشانه های حضرت مهدی علیه السلام و نسب شریف ایشان و ویژگی های خاصی است که برای ایشان در احادیث مختلفه [۷] مورد تصریح قرار گرفته است و گر نه در این باب،

[ صفحه ۱۵ ]

جایی برای گمراهی و گمراه ساختن دیگران وجود ندارد. این وظیفه علما و اندیشمندان است که عقیده به مهدویت را تبیین کنند و هدف های آن را به مردم بشناسانند و ویژگی ها و نشانه هایی را که به وسیله آنها حضرت مهدی موعود علیه السلام از دغل پیشگان مدعی مقام مهدویت باز شناخته می شود، برای توده مسلمان بر شمارند

و توضیح دهند. ثالثاً: یکی از فرق هایی که بین احادیث متواتره و غیر متواتره [۸] وجود دارد، این است که: در متواتر لفظی تفصیلی [۹] یقین و باور قطعی نسبت به صدور آن حدیث معین از ناحیه معصومین علیهم السلام - به عین همان کلمات و الفاظ موجود در متن حدیث - حاصل می شود و در چنین حدیثی ممکن نیست اختلاف و تعارض ایجاد شود، مگر توسط حدیث متواتر دیگری که با همین خصوصیات، مفاد و معنایی

[ صفحه ۱۶ ]

خلاف [۱۰] حدیث اول داشته باشد، که در این صورت باید به وسیله ایجاد موافقت بین دو معنا و جمع بین دو حدیث به وسیله حمل عام بر خاص - تخصیص عام - و یا حمل مطلق بر مقید - تقیید مطلق - و یا حمل ظاهر بر اظهر - تقدیم اظهر - و مانند اینها، تنافی و اختلاف ظاهری و ابتدایی بین دو روایت را حل کرد. اگر چنین جمعی ممکن نبود، ظاهر هر دو روایت از اعتبار ساقط گردیده و هیچ کدام صلاحیت، برای استناد حکمی به آن را نخواهد داشت. اما در متواتر اجمالی [۱۱] اختلاف و تعارضی که در عبارات و متون

[ صفحه ۱۷ ]

احادیث هست، مشکلی ایجاد نمی کند، بلکه به آن روایتی که از همه روایت های آن مجموعه، اخص است و شمول کمتری دارد، اخذ می شود. اما در متواتر معنوی [۱۲] به قدر مشترک همه احادیث و مضمونی که در همگی آنها تکرار شده و مورد اتفاق کل آن مجموعه است، اخذ می شود. بنابراین، اختلاف داشتن متن و مضمون احادیث زیانی به

متواتر بودن آنها نمی زند. بلکه در احادیث غیر متواتر نیز این اختلاف متن، ضرری به صحت آن حدیث صحیحی که بین آنهاست، وارد نمی کند. زیرا در آن صورت هم روایت صحیح تر، و روایتی که به خاطر مطابقت مضمون آن با کتاب یا سنت قطعی یا به خاطر قوی بودن متن حدیث، یا به خاطر تایید مضمون آن توسط شواهد و قرینی خاص، نسبت به حدیث دیگر متعارض با آن، رجحان و برتری دارد، مورد عمل قرار می گیرد.

[ صفحه ۱۸ ]

این امور را، جز کسانی که در علم حدیث شناسی، دارای تجربه و مهارت کافی باشند، باز نمی شناسند و اگر جز این بود و به خاطر کمترین تعارض و اختلافی باید همه احادیث متعارض کنار گذاشته می شد، لازم بود که کلیه روایات یا حد اقل اغلب آنها، از درجه اعتبار ساقط باشند، که نتیجه اش تغییر چهره دین اسلام در اکثر احکام شرعی و دستورات فقهی بود. زیرا کمتر موضوعی در عقاید و احکام و تاریخ و تفسیر قرآن کریم و مانند آنها پیدا می شد، که احادیث وارد شده در آن موضوع، بدون اختلاف و تعارض باشند، اگر چه تعارضی ناپایدار به عموم و خصوص یا اطلاق و تقیید. بنابر این، در از بین بردن این تعارضات ابتدائی که در گفتگوهای عادی مردم نیز وجود دارد، و در تشخیص حدیث درست از نادرست و حدیث قوی از ضعیف و روایت معتبر از غیر معتبر، تنها راه این است که به قواعد و مقرراتی که در نزد عقلا و اندیشمندان معتبر است، استناد گردد و به خبرگان و اشخاص

صلاحیت دار رجوع شود و بدین وسیله بعضی از احادیث را به بعضی دیگر بازگردانده و در صورت امکان جمع بین روایات و عمل به روایتی که از نظر سندی یا مضمونی قوت و متانت بیشتر دارد، یا با قرآن کریم و سنت ثابت شده و مانند آن، موافقتر است، به این قاعده عمل شود و از رد کردن روایت و نادیده گرفتن آن خودداری گردد. نتیجه کلام اینکه، اخبار و روایاتی که درباره مهدویت از معصومین علیهم السلام وارد شده، همگی باید در پرتو چنین قواعدی، بحث و بررسی شود. که چنانچه احادیث متواتره ای داریم مورد عمل قرار گیرد و در اخبار غیر متواتره نیز بعضی به بعضی تقویت شده، و

[ صفحه ۱۹ ]

برخی، برخی دیگر را تفسیر کند و اگر خبر ضعیفی هم هست، ملاحظه شواهد و قرائن و بقیه موارد تایید معتبر، در آن عمل شود. از این رو می توان گفت: هیچ کسی احادیث وارده در باب عقیده به مهدویت را مردود و شبهه دار نمی پندارد، مگر ناآگاهان به صناعت حدیث شناسی، یا آگاهانی که تحت تاثیر تبلیغات باطل و فتنه های گمراهی آفرین استعمارگران، با سنت پیامبر صلی الله علیه و آله به دشمنی برخاسته اند.

پاورقی

[۱] متواتر به معنی پیایی در اصطلاح حدیث شناسی به احادیث متعدده ای گفته می شود، که روایت کنندگان آن در هر طبقه، به گونه ای زیاد باشند که از مجموع روایات آنها علم هادی به صدور آن کلام، از معصوم علیه السلام حاصل آید. به عبارت دیگر اختلاف راویان و تعدد آنها در نقل یک خبر از معصوم علیه السلام

به حدی باشد که توافق آنان بر کذب و همدستی آنان در جعل خبر ممکن نباشد.

[۲] خبر واحد خبری است که نقل کننده آن یک یا چند روای باشد. تا آنجا که به حد تواتر نرسیده باشد. و در اصطلاح حدیث شناسی تقسیم بندی های مختلف، و اقسام گوناگون دارد. مشهورترین اقسام آن در رابطه با روای عبارتند از: صحیح، حسن، موثق و ضعیف.

[۳] از جمله این اختلافات، اختلاف بر سر نام پدر بزرگوار حضرت مهدی علیه السلام است که در پاره ای از روایات اهل سنت عبارت اسم ابیه اسم ابی به حدیث مشهور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اسمه اسمی و کنیته کنیتی افزوده شده است. به این معنا که نام مهدی همنام من، و کنیه او همانند کنیه من، و اسم پدر او مانند اسم پدر من است. و یا اختلاف بر سر زمان تولد، و مدت عمر، و علامات قبل از ظهور، که همگی این موارد در خود مدارک اهل سنت، قابل بررسی و نظر مشهور شیعه، بر طبق احادیث وارده در همان کتابها قابل اثبات است.

[۴] جریان محمد بن عجلان در صفحه ۱۷۴ از کتاب البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان نقل شده است. محمد بن عجلان یکی از فقهای مدینه بود، که در زمان حکومت بنی عباس با مردی به نام محمد بن عبدالله محض که از نسل امام حسن مجتبی علیه السلام بود، بیعت کرد. منصور، خلیفه عباسی که بسیاری از سادات حسنی را به جرم مخالفت با دستگاه حکومت، کشته بود، محمد بن عجلان را احضار کرد. و بعد از تحقیق درباره

بیعت او با محمد بن عبدالله، دستور داد، دست او را ببرند. و گفت: این دستی که با دشمن من بیعت کرده است، باید بریده شود. فقهای مدینه وساطت کردند و گفتند: این مرد تقصیری ندارد، چون فقیه است و بر طبق روایات خیال کرده که محمد بن عبدالله بن محض مهدی امت است. از این رو با او بیعت کرد و قصد دشمنی با تو را نداشته است.

[۵] سوره انبیاء، آیه ۱۸.

[۶] تعداد کسانی که در طی تاریخ اسلام، ادعای مهدویت داشته و به انگیزه های مختلف به دروغ خود را قائم آل محمد صلی الله علیه و آله معرفی کرده اند، یا برخی از مریدان آنها، این عنوان را به دروغ بر ایشان تبلیغ و ترویج کرده اند، بیش از پنجاه نفر می باشد.

[۷] برای شناختن این خصوصیات، از حیث اصل و نسب، و سیمای ظاهری، و کیفیت اخلاق و رفتار، و از حدیث علامات و معجزات، و نحوه ظهور و حکومت آن بزرگوار، می توان به کتاب هایی که در این باب، نوشته شده است، همچون مهدی موعود، منتخب الاثر و... مراجعه نمود.

[۸] غیر متواتر، اعم از خبر یک یا چند راوی، و اعم از اینکه قرآینی بر صحت و صدور آن از معصوم علیه السلام وجود داشته، یا نداشته باشد، تعبیری دیگر از همان خبر واحد است.

[۹] احادیث متعدده ای که با اسناد گوناگون، و به وسیله راویان مختلف، از هر یک از معصومین علیهم السلام نقل شده اند، اما همگی آنها از حیث مضمون و لفظ، کاملاً یکسان بوده و در تعابیر و کلمات، هیچ



اختلافی باهم ندارد. چنانکه همه این راویان، اتفاق دارند بر اینکه: از پیغمبر صلی الله علیه و آله شنیدم، که فرمود: انی تارک فیکم الثقلین، کتاب الله و عترتی.

[۱۰] این مخالفت بین دو حدیث متواتر، به گونه ای نیست که باهم تضاد و تناقضی داشته باشند. بلکه یکی از آن دو به عنوان شرط یا قید یا خصوصیتی زاید بر دیگری، قابل جمع با آن می باشد.

[۱۱] احادیث متعدده ای، که اگر چه در الفاظ و تعابیرشان، اختلافاتی وجود دارد، اما به خاطر کثرت راویان، به گونه ای هستند، که می توان علم اجمالی پیدا کرد، که حد اقل یکی از آنها با همین الفاظ و کلمات وارده در حدیث، از معصوم علیه السلام صادر گردیده است. مثلا در بعضی از این گونه روایات آمده است که: خبری که راوی مومن آن را نقل کرده باشد حجت است. و در بعضی دیگر آمده است: خبری که راوی آن راستگو باشد حجت است. در بعضی دیگر آمده است: خبری که روایت کننده آن عادل باشد حجت است. در اینجا علم پیدا می کنیم که حد اقل یکی از این روایت ها، صحیح و صادر شده از معصوم است. حال در این میان، روایتی را که خاص تر از بقیه روایات است، و شمول کمتری دارد، و به عبارت دیگر بقیه روایات هم آن را به نوعی تایید می کنند، اختیار کرده و به مضمونش عمل می نمائیم. که مثال در مذکور، آخرین دسته این روایات، یعنی حجت بودن خبر عادل است. زیرا اگر راوی عادل باشد حتما مومن و راستگو هم هست. و دو

دسته قبلی آن را شامل می شوند.

[۱۲] مجموعه ای از احادیث، که همگی بر معنایی خاص یا حکمی معین دلالت مشترک دارند، اگر چه در الفاظ و تعابیر با یک دیگر اختلاف دارند. به شکلی که در بین این مجموعه، هیچ حدیثی را نتوان یافت که به طور قطع و یقین، مضمون و متن و الفاظش همگی از ناحیه معصوم علیه السلام صادر شده است. مثل روایت هایی که درباره کیفیت جنگ های امیرالمومنین علی علیه السلام با الفاظ و تعابیر و مضامین گوناگون وارد شده اند، ولی همگی آنها در اثبات شجاعت بی نظیر برای مولا علی علیه السلام متفق هستند. و مثل حکایات فراوان، و نقل های متفاوتی که درباره بخشش و کرم حاتم طائی در کتاب های مختلف وجود دارد، که از همگی آنها به آنچه که قدر مشترک و مضمون عام بین همه آنهاست، یقین و علم قطعی پیدا می شود. و آن، وجود حاتم در زمانی از زمان های گذشته و دارا بودن جود و بخشش بسیار توسط او می باشد.

### **الهام گیری از باورداشت مهدویت**

بر کسی پوشیده نیست که عقیده به ظهور حضرت مهدی علیه السلام، عقیده ای است که امید می آفریند، و نشاط و تلاش ایجاد می کند. سستی و ناامیدی و کسالت را از بین می برد. حرکت های اصلاحگرانه و اسلام خواهانه را تشویق می کند، و جان های شورنده، بر استکبار و استضعاف را تقویت می نماید. [دین] اسلام هنوز به کمال اهداف خویش نرسیده و به مرحله تحقق همه آرمان هایی که برای جامه عمل پوشاندن به آنها، آمده است، دست نیافته، آینده از آن

اسلام و ناگزیر باید روزی فرا برسد که اسلام عزیز بر همه گیتی حکم روا باشد و همه ستمگری ها و حق کشی ها را از بین ببرد. دنیا به زودی به دامن اسلام پناه خواهد آورد و نیاز دنیا به اسلام هر روز ظاهرتر از روز پیش به چشم می خورد. نور اسلام هر روز روشن تر و پرتوش هر روز درخشان تر از قبل در همه دنیا احساس می شود.

[ صفحه ۲۰ ]

شکست نظام های استکباری رایج و فروپاشی احزاب شرک آلود غیر انسانی و عدم موفقیت برنامه های اقتصادی و سیاسی آنان در گسترش امنیت و آسایش مردمی و ناکام ماندن این سیاست ها در تحقق اهداف انسانی و از بین بردن جهل و ستم و کینه جوئی ها و نژاد پرستی ها، روز به روز، دل ها را برای قبول اسلام آماده تر ساخته و مردم دنیا را برای پذیرش برنامه های الهی آن - که یگانه راه حل مشکلات بشریت است - مشتاق تر می سازد. بشریت سرگردان امروز، هرگز گمشده خود را در نظام های شرقی و غربی نیافته و نخواهد یافت. بلکه این نظام ها و مکتب های غیر الهی، برای انسان امروز دست آوردی جز فروماندگی بیشتر و دشوارتر شدن کارها و مشکلات و فزونی فحشاء، منکرات، فساد، گردنفرازی و استکبار، نداشته است. اعتقاد به مهدویت درک ما را نسبت به کرامت انسان بیدار می کند و این باور را که زمین، نه از آن ستم پیشگان و استعمارگران، بلکه از آن خداست، و فرجام کار برای تقوا پیشگان است و خداوند آخرین پیامبر و

رسول گرامیش حضرت محمد صلی الله علیه و آله را با هدایت و آیین حق برای غلبه بر تمامی ادیان تاریخ فرستاده است، تقویت می کند و دوستی حقیقت و عدالت و نیکوکاری را در دل های ما جای می دهد و ما را برای برتری بخشیدن به کلمه توحید و بر پا داشتن حدود الهی و اجرای حکم و قانون اسلام، به نهضت و قیام و می دارد و پیوند ما را با مبادی و اصول اسلامی پایدار می سازد و در عمل به مسئولیت هایی که بر عهده داریم مورد بازخواست قرار می دهد. خدای تبارک و تعالی - که راستگوترین است - در این باره

[ صفحه ۲۱ ]

می فرماید: (هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون). [۱].

اوست که رسول گرامیش را با هدایت و آیین حق فرستاد تا آن را بر همه دین ها برتری بخشد. اگر چه ناخوشایند مشرکین باشد. و می فرماید: (وعد الله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما ستخلف الذین من قبلهم و لیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم و لیبدلنهم من بعد خوفهم امننا یعبدوننی لا یشرکون بی شیئا و من کفر بعد ذلک فاولئک هم الفاسقون). [۲].

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورند و عمل شایسته انجام دهند، وعده داده است که آنان را در زمین به خلافت رساند، چنانکه پیشینیان آنان را خلافت بخشید و دینی را که بر ایشان پسندیده است اقتدار و تمکین دهد و ترس و هراس را به آرامش و امنیت تبدیل

کند، تا تنها مرا بپرستند، و چیزی را شریک و همتای من قرار ندهند و هر کس بعد از آن، کفر ورزد از فاسقان به شمار آید. و چنانکه می فرماید: (و نريد ان نمن على الذين استضعفوا في الارض و

[ صفحه ۲۲ ]

نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثين). [۳].

ما می خواهیم بر مستضعفین زمین منت گزاریم و آنان را پیشوایان مردم و وارثان زمین قرار دهیم. و باز چنانکه می فرماید: و لقد سبقت كلمتنا لعبادنا المرسلين، انهم لهم المنصورون، و ان جندنا لهم الغالبون. [۴].

کلمه و تقدیر ما، از ابتدا درباره بندگان رسالت یافته خود - قبل از انگیزش آنان به پیامبری - بر این قرار گرفته که همانا آنان یاری شده گانند و لشکریان ما پیروزمند و غلبه یافته گانند.

پاورقی

[۱] سوره توبه، آیه ۳۳.

[۲] سوره نور، آیه ۵۵.

[۳] سوره قصص، آیه ۵.

[۴] سوره صافات، آیات ۱۷۱، ۱۷۲ و ۱۷۳.

### اساس عقیده به مهدویت

اساس در عقیده به مهدویت و غلبه اسلام بر تمامی ادیان و منتهی شدن سیر طبیعی دنیا، به حاکمیت اسلام و فرامین الهی و یگانه شدن قوانین و نظام های موجود و خلافت مومنان و شایستگان در زمین و تبدیل ترس و هراس بشریت به امان و امنیت و نابودی همه مظاهر استضعاف و استکبار، همگی در همان نیروی اولیه ای است که به طرزی شگفت، برای نابودی همه مظاهر شرک و استکبار و آزاد سازی انسان از سلطه طواغیت و خارج ساختن بشریت از ذلت بندگی مردم به عزت بندگی خداوند، در نهاد دعوت اسلام و باور توحیدی و کلمه اخلاص به

اینکه می بینیم دنیا در سیر خویش به سوی جامعه ای یگانه و بین المللی و ادغام بعضی جوامع در بعضی دیگر و کاستن امتیازات سیاسی و نظامی و نژادی، در حرکت است و دانش و پیشرفت صنعتی، یگانه شدن بشریت و یکی شدن اقوام و ملیت های مختلف را میسر ساخته است و توسعه ارتباطات و پیوندهای بین ملت ها و قومیت های گوناگون، آن را مانند اهل شهری بلکه محله ای واحد قرار داده است، همگی زمینه ساز آینده ای درخشان، بر اساس تعالیم اسلام و قرآن به شمار می رود. یعنی همان طور که بشریت جامعه های قبیله ای را پشت سر نهاده و در حرکت خویش، به تاسیس جوامع شهر نشین، بر اساس وحدت منطقه، یا منافع سیاسی، یا اقتصادی، یا نژادی رسیده است که هر کدام خواستار غلبه و تسلط بر دیگری است، یقیناً در همین سیر رو به رشد، روزی از این حکومت های جزئی و وحدت های ناچیز رهایی یافته و به وحدتی بزرگ و حکومتی الهی و جهانگیر که هیچ اختصاصی به فرد یا طائفه یا منطقه یا نژادی مخصوص نخواهد داشت، دست پیدا خواهد کرد، که همانا حکومت اسلام و قرآن است، حکومتی که همگان را شامل می شود و همه در آن مساویند. ما مسلمانان، همه چنانکه همه خبرهای غیبی خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله را باور داریم و چنانکه به فرشتگان خدا و کتاب ها و پیامبران او ایمان داریم و آنچه را که از جزئیات و تفصیل معاد و بهشت و دوزخ و

مانند آن - که جز به وسیله وحی و خبر دادن پیامبر صلی الله علیه و آله قابل اثبات نیست - به ما خبر داده اند، تصدیق می کنیم، همین طور به وعده خداوند نیز که آن را در کتاب مجیدش خطاب به ایمان آورندگان و همه بشریت بیان فرموده و ما را زبان پیامبران و رسولانش نسبت به آن بشارت بخشیده، و پیامبر

[ صفحه ۲۴ ]

راستگو و امین ما، آن را به آگاهی ما رسانده است، ایمان داریم، و نسبت به تحقق این وعده الهی در وراثت صالحان و حکومت اسلام و قرآن در تمام جهان، تردیدی به خود راه نمی دهیم، و از خدا می خواهیم که ما را بر این عقیده، و بر تمام مبادی و اصول اسلامی و باورهای اصیل و صحیح، پایدار و ثابت قدم بدارد. ربنا لا ترغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا و هب لنا من لدنک رحمہ انک انت الوهاب. [۱].

پروردگارا بعد از اینکه ما را هدایت فرمودی، ضلالت و گمراهی را به دل های ما راه مده و از جانب خویش رحمتی خاص به ما عنایت کن، که همانا تو بسیار بخشنده و عنایت کننده ای.

پاورقی

[۱] سوره آل عمران آیه ۸.

### **کتابهای مستقل درباره مهدویت**

دانشمندان اسلامی همواره به روایات مربوط به حضرت مهدی علیه السلام اهتمامی خاص داشته و در استخراج و تحقیق و رساندن آنها به جامعه و محکم کردن ایمان به آنها در قلوب مردم، سعی و تلاش فراوان داشته اند. از این رو علاوه بر آوردن این روایات در کتب سنن و مسانید و جوامع و غیره، کتاب های روایی مستقل و

مجموعه های احادیث خاص در این زمینه، فراوان نگاشته اند. از آن میان، ما به افزون از سی کتاب که به شکل مستقل، به کوشش بزرگان اهل سنت، در این باره تالیف شده است، آگاهی یافتیم که به عنوان نمونه، می توان از کتاب های البیان فی اخبار صاحب الزمان و

[ صفحه ۲۵ ]

القول المختصر فی علامات المهدي المنتظر علیه السلام و عقد الدرر و العرف الوری و... نام برد. این کتاب ها و نظایر آنها، کمترین چیزی را که اثبات می کنند، این است که باور داشت مهدویت باوری اسلامی است که اساس آن به کتاب و سنت نبوی صلی الله علیه و آله بر می گردد و همه پیشینیان و صحابه و تابعین به آن اعتقاد داشته اند و اختصاصی به مذهبی خاص از مذاهب مختلفه مسلمین ندارد. اینکه خود این عقیده، یکی از دلایل قطعی بر پایان یافتن سلسله پیامبران الهی به وجود شریف پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله است و اینکه آیین او، هرگز نسخ نخواهد گشت و اینکه حضرت مهدی علیه السلام - چنانکه در کتاب المهدي از سنن ابو داوود آمده و احادیث صحیحه متعددی به آن تصریح دارند - دوازدهمین جانشین اوست. آخرین نفر از جانشینانی که رسول گرامی صلی الله علیه و آله، امت خویش را به آمدن یکایک آنان بشارت بخشیده است و این بشارت همگی در احادیث گوناگونی که با سندهای فراوان در مسند احمد بن حنبل و صحیح بخاری و صحیح مسلم و غیر آنها نقل شده است مورد اعتراف همگان است. هر کس بخواهد به میزان قوت



و اعتبار آنچه که مدرک و مستند مسلمانان در عقیده به مهدویت قرار گرفته، آگاهی یابد و کثرت روایات این باب، و فراوانی مولفین و جمع آورندگان آنها را دریابد و شهرت این روایات در بین اندیشمندان و دانشمندان اسلامی را غیر قابل انکار بیند، باید به کتاب های جوامع، سنن، مسانید و کتاب های تفسیر، تاریخ، رجال، فرهنگنامه ها، لغتنامه ها و غیر آن مراجعه نماید، تا بفهمد که بر شمردن همه این احادیث و

[ صفحه ۲۶ ]

کتاب های مربوطه کاری بسیار دشوار است. ما در این مختصر، تنها درباره یکی از این کتاب ها که پیرامون این موضوع نگاشته شده است، سخن می گوئیم و به عنوان نمونه ای از این گونه تالیفات و به عنوانی دلیلی بر بسیاری چشمگیر این مطالب در کتابهای دیگر، به بررسی آنچه در این کتاب آمده است، می پردازیم. این کتاب البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان علیه السلام [۱] نام دارد. اما کتاب و مولف آن، هر دو بی نیاز از تعریف هستند، زیرا خود کتاب از کتاب های مشهور و معروف است، که نسخه خطی آن در چندین کتابخانه بزرگ موجود است و اخیراً چاپ جدیدی از این کتاب، با استفاده از تصویر برداری از نسخه خطی موجود در کتابخانه مسجد الحرام در مکه مکرمه عرضه شده است و ما خود نیز نسخه خطی دیگری از آن را که در کتابخانه مسجد اعظم قم - از یادگارهای مرحوم مغفور آیت الله العظمی بروجردی - حفظ و نگهداری می شود، مشاهده کرده ایم. مولف این کتاب، عالم بزرگ و محدث مشهور علی بن حسام الدین

بن عبد الملك المتقی الشاذلی المدینی الهندی، متوفی به سال ۹۷۷ هجری قمری است. وی نویسنده ای معروف است و شرح حالش در کتاب هایی که پیرامون زندگی نامه های علماء و بزرگان اهل سنت نگاشته شده است، موجود است. چنانکه در مقدمه و نسخه چاپ

[ صفحه ۲۷ ]

شده همین کتاب نیز، شرح زندگانی و آثار و مقامات او درج گردیده است. برخی از آنچه در این کتاب آمده و بر آنیم تا آگاهی مختصری نسبت به آن پیدا کنیم، عبارتند از: اسامی آن دسته از مشایخ و راویان و صاحبان کتاب های جامع، سنن و مسانید که احادیث مربوط به عقیده به مهدویت را در کتاب های خویش روایت کرده اند و مولف این کتاب نیز روایات وارده را از ایشان نقل کرده است و نیز اسامی گروهی از علمای مشهور و تابعینی [۲] که پس از عهد پیامبر صلی الله علیه و آله این احادیث و اخبار را روایت کرده اند و نیز اسماء گروهی از صحابه که خود، بدون واسطه از رسول الله صلی الله علیه و آله نقل حدیث کرده اند.

پاورقی

[۱] این کتاب که متأسفانه تا کنون به فارسی ترجمه نشده است، دارای ابواب مختلف است که در هر باب مجموعه ای از مشهورترین و معتبرترین روایات اهل سنت، درباره حضرت مهدی علیه السلام و خصوصیات آن حضرت و نشانه های ظهور ایشان جمع آوری شده است.

[۲] تابعین به کسانی گفته می شود، که زمان پیامبر صلی الله علیه و آله را درک نکرده اند، لکن با اصحاب و یاران نزدیک پیامبر صلی الله علیه و آله که

پس از پیامبر می زیسته اند، همنشینی و مصاحب داشته، از آنان نقل روایت نموده اند.

### اسامی مشایخ و اساتید فن و صاحبان کتاب های جامع حدیث

۱ - طبرانی ۲ - ابونعیم اصفهانی ۳ - خطیب بغدادی ۴ - ابن ابی شیبہ ۵ - نعیم بن حماد، یکی از اساتید امام بخاری صاحب صحیح بخاری ۶ - الحاکم ۷ - احمد ۸ - مارودی ۹ - بزاز ۱۰ - ترمذی ۱۱ - دارقطنی ۱۲ - ابن ماجه ۱۳ - ابویعلی موصلی ۱۴ - ابن عساکر ۱۵ - مسلم ۱۶ - ثعلبی ۱۷ - ابوداود ۱۸ - ابن جوزی ۱۹ - ابن ابی اسامه ۲۰ - تمام بجلی ۲۱ - رویانی ۲۲ - ابن منده ۲۳ - حسن بن سفیان شیبانی

[ صفحه ۲۸ ]

۲۴ - عثمان بن سعید دانی ۲۵ - ابوالحسن حوبی ۲۶ - ابن کثیر ۲۷ - ابن سعد ۲۸ - واقدی ۲۹ - ابوبکر بن مقری ۳۰ - ابن مناوی ۳۱ - ابوغنم کوفی ۳۲ - ابن مردویه ۳۳ - ابن خزیمه ۳۴ - ابو عوانه ۳۵ - ابوبکر اسکافی ۳۶ - دیلمی ۳۷ - قرطبی ۳۸ - ابن لهیعه ۳۹ - ابوبکر احمد بیهقی ۴۰ - ابوالحسن آبری ۴۱ - ابن حبان ۴۲ - ابوبکر احمد بن محمد بن عبدالله بن صدقه.

### اسامی برخی از مشاهیر از تابعین

۱ - عاصم بن عمرو بجلی ۲ - سعید مسیب ۳ - ابوجعفر محمد بن علی الباقر علیه السلام ۴ - اسحاق بن یحیی ۵ - شهر بن حوشب ۶ - زهری ۷ - مطر الوراق ۸ - طاووس ۹ - صباح ۱۰ - عمرو بن علی ۱۱ - مکحول ۱۲ - کعب بن علقمه ۱۳ - قتاده ۱۴ - عبدالله بن حارث ۱۵ - محمد بن حبیر ۱۶ - ارطاه بن منذر ۱۷ - حکم

بن عیینہ ۱۸ - ابوقبیل ۱۹ - ابن ابی طلحہ ۲۰ - کثیر بن مرہ ۲۱ - ابن سیرین ۲۲ - مجاہد ۲۳ - خالد بن سعد ۲۴ - ابومریم ۲۵ - شریک ۲۶ - ابوارطاه ۲۷ - ضمیرہ بن حبیب ۲۸ - حکم بن نافع ۲۹ - خالد بن معدان ۳۰ - محمد بن حنفیہ ۳۱ - سدی ۳۲ - سلیمان بن عیسیٰ ۳۳ - بقیہ بن ولید ۳۴ - ولید بن مسلم ۳۵ - قیس بن جابر ۳۶ - عمرو بن شعیب ۳۷ - ابن شوذب ۳۸ - دینار بن دینار ۳۹ - معمر ۴۰ - فضل بن دکین ۴۱ - سالم بن ابی جعد ۴۲ - محمد بن صامت ۴۳ - حکیم بن سعد ۴۴ - ابراہیم بن میسرہ ۴۵ - ابوامیہ.

[ صفحه ۲۹ ]

اسامی روایت کنندگان درباره حضرت مهدی علیہ السلام از مردان و زنان اصحاب رسول الله صلی الله علیہ و آلہ: ۱ - علی بن ابی طالب ۲ - عمار بن یاسر ۳ - حذیفہ یمانی ۴ - ابوسعید خدری ۵ - طلحہ بن عبیدالله ۶ - ابن عمر ۷ - عبدالله بن مسعود ۸ - جابر بن عبدالله ۹ - عبدالرحمان بن عوف ۱۰ - عمر بن خطاب ۱۱ - ابن عباس ۱۲ - ابوہریرہ ۱۳ - انس بن مالک ۱۴ - ابوامامہ ۱۵ - ہلالی ۱۶ - ابوظفیل ۱۷ - الحسن علیہ السلام ۱۸ - الحسین علیہ السلام ۱۹ - ثوبان ۲۰ - ابی بن کعب ۲۱ - جابر بن سمرہ ۲۲ - جابر صدفی ۲۳ - عبدالله بن عمرو بن عاص ۲۴ - عمرو بن

عاص ۲۵ - ام سلمه ۲۶ - عایشه ۲۷ - اسماء بنت عمیس ۲۸ - ام حبیبه. در اینجا بعد از ذکر اسامی، به خاطر افزایش آگاهی خواننده و خالی نبودن این نوشتار از متون این احادیث و نیز به منظور کسب ثواب و اجری که در احادیثی مانند: من حفظ من امتی اربعین حدیثا حشره الله یوم القیامه فقیها [۱].

هر کس از امت من، چهل حدیث را حفظ نماید، خداوند روز قیامت، او را به عنوان فقیه محشور می فرماید. وعده داده شده است [۲]، در صدد بر آمدیم که چهل حدیث از

[ صفحه ۳۰ ]

احادیث نقل شده در این کتاب را - که افزون از دویست حدیث می باشد - در این نوشتار ذکر نماییم. و ما توفیقی الا بالله.

[ صفحه ۳۱ ]

پاورقی

[۱] از فرمایشات رسول الله صلی الله علیه و آله.

[۲] از شافعی نقل شده است که درباره این گونه احادیث گفت: مراد از این چهل حدیث، احادیثی است که درباره فضایل و مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام وارد شده است. در همین زمینه، داستان عجیبی از احمد بن حنبل نیز نقل شده است که طالبین آن می توانند به کتاب اربعین از شیخ ابوالفتح محمد بن احمد بن ابی الفوارس متوفی سال ۴۱۲ هجری قمری - مراجعه نمایند.

### چهل حدیث پیرامون باورداشت مهدویت

۱ - اخرج احمد و ابن ابی شیبه، و ابن ماجه، و نعیم بن حماد، فی الفتن، عن علی، قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: المهدی منا اهل البیت، یصلحه الله فی ليله. [۱].

احمد و ابن ابی

شیه و ابن ماجه و نعیم بن حماد، در کتاب فتن از علی علیه السلام، نقل کرده اند که آن حضرت فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: مهدی علیه السلام از ما اهل بیت است، خداوند امر او را در یک شب اصلاح خواهد فرمود.

۲ - اخرج ابوداود و ابن ماجه و الطبرانی و الحاکم عن ام سلمه، قالت: سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم يقول: المهدی من عترتی، من ولد فاطمه. [۲].

[ صفحه ۳۴ ]

ابوداود و ابن ماجه و طبرانی و حاکم، از ام سلمه روایت کرده اند که گفت: شنیدم رسول الله صلی الله علیه و آله می فرماید: مهدی علیه السلام از سلاله من است، از فرزندان فاطمه علیه السلام.

۳ - اخرج الحاکم و ابن ماجه و ابونعیم، عن انس بن مالک، قال: سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم يقول: نحن سبعة ولد عبد المطلب ساده اهل الجنة: انا، و حمزه، و علی، و جعفر، و الحسن، و الحسین، و المهدی. [۳].

حاکم، و ابن ماجه و ابونعیم، از انس بن مالک روایت کرده اند که وی گفت: شنیدم، رسول الله صلی الله علیه و آله می فرماید: ما هفت نفر از فرزندان عبدالمطلب، سروران اهل بهشت هستیم: من و حمزه و علی و جعفر و حسن و حسین و مهدی.

۴ - اخرج الترمذی - و صححه - عن ابی هریره، قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: لو لم یبق من الدنیا الا یوم، ل طول الله ذلک الیوم، حتی ینزل

ترمذی به طریق صحیح از ابوهریره، نقل کرده است که گفت:

[ صفحه ۳۵ ]

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نماند، خداوند آن روز را آن قدر طولانی می کند که مهدی علیه السلام در پی آید.

۵ - اخرج الطبرانی فی الاوسط من طریق عمرو بن علی، عن علی بن ابی طالب انه قال للنبی صلی الله علیه و آله و سلم: امنا المهدی ام من غیرنا یا رسول الله؟ قال: بل منا، بنا یختم الله کما بنا فتح، و بنا یستنقذون من الشرک، و بنا یولف الله بین قلوبهم بعد عداوه الشرک. [۵].

طبرانی در الاوسط از طریق عمرو بن علی، روایتی را از علی بن ابی طالب علیه السلام نقل کرده که از پیامبر صلی الله علیه و آله سوال کرد: مهدی از بین ماست یا از بین دیگران یا رسول الله؟ در جواب فرمود: بلکه از ماست، خداوند همچنان که به ما آغاز فرمود، به ما هم ختم خواهد کرد. به وسیله ماست که مردم از شرک نجات می یابند، به وسیله ماست که خداوند بین دل های مردم، الفت و پیوند ایجاد می کند، بعد از آن که به دشمنی حاصله از شرک، بینشان جدایی افتاده باشد.

۶ - اخرج نعیم بن حماد، و ابونعیم من طریق مکحول عن علی، قال: قلت: یا رسول الله امنا آل محمد المهدی، ام من

[ صفحه ۳۶ ]

غیرنا؟ فقال: لا بل منا، یختم الله به الدین کما فتح بنا ینقذون من الفتنه کما انقذوا من الشرک، و بنا یولف

الله بین قلوبهم، و بنا یصبحون بعد عداوه الفتنه اخوانا كما اصبحوا بعد عداوه الشرك اخوانا فی دینهم [۶].

نعیم بن حماد و ابونعیم از طریق مکحول از علی بن ابی طالب علیه السلام روایت کرده اند، که فرمود: گفتم: ای رسول خدا، آیا مهدی علیه السلام از بین ما آل محمد صلی الله علیه و آله است یا از بین غیر ما؟ فرمود: نه، بلکه از بین ماست، خداوند دین را همچنان که گشود، به وجود او ختم خواهد کرد، مردم به وسیله ما از فتنه نجات می یابند، چنانکه از شرک نجات یافتند و به وسیله ماست که خداوند بین دل های مردم، الفت و پیوند ایجاد می کند و به وسیله ماست که مردم بعد از دشمنی برخاسته از فتنه، با یک دیگر برادر شدند.

۷ - اخرج الحارث بن ابی اسامه و ابونعیم، عن ابی سعید، قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: لتملان الارض ظلما و عدوانا، ثم لیخرجن رجل من اهل بیتی حتی یملاها قسطا و عدلا كما ملئت عدوانا و ظلما. [۷].

[ صفحه ۳۷ ]

حارث بن ابی اسامه و ابونعیم، از ابوسعید نقل کرده اند که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: زمین پر از ستم و دشمنی می شود و به درستی، مردی از اهل بیت من قیام خواهد کرد تا زمین را از عدل و داد پر کند، چنانکه پر از دشمنی و ستم شده باشد.

۸ - اخرج الطبرانی فی الکبیر و ابونعیم عن ابن مسعود، قال: قال رسول الله صلی الله علیه



و آله و سلم: یخرج رجل من اهل بیتی، یواطی اسمه اسمی و خلقه خلقی، یملاها قسطا و عدلا کما ملئت ظلما و جورا. [۸].

طبرانی در کتاب الکبیر و ابونعیم، از ابن مسعود، نقل کرده اند که گفت: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: مردی از اهل بیت من قیام خواهد کرد، اسمش همانند اسم من و اخلاقش همانند اخلاق من است، او زمین را پر از عدل و داد کند، چنانکه پر از ظلم و جور شده باشد.

۹ - اخرج ابو نعیم عن حذیفه، قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: ویح هذه الامه من ملوک جباره، یقتلون و یخیفون المطیعین الا من اظهر طاعتهم، فالمومن التقی لیصانعمهم بلسانه، و یفر منهم بقلبه و جناحه. فاذا اراد الله

[ صفحه ۳۸ ]

تعالی ان یعید الاسلام عزیزا، قصم کل جبار عنید، و هو القادر علی ما یشاء ان یصلح امه بعد فسادها. یا حذیفه! لو لم یبق من الدنیا الا یوم، لطول الله ذلک الیوم حتی یملک من اهل بیتی رجل، تجری الملاحم علی یدیه، و یظهر الاسلام، لا یخلف وعده، و هو سریع الحساب [۹].

ابونعیم از حذیفه نقل کرده است، که گفت: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: وای بر این امت از پادشاهان ستمگر، مردم را می کشند و اطاعت کنندگان پروردگار را می ترسانند، مگر کسی را که فرمانبری و اطاعت از آنان را اظهار کند. پس انسان با ایمان و پرهیزکار باید با زبانش با آنان بسازد، اما در قلب و با جوارحش از آنان بگریزد. پس اگر

خدای بزرگ بخواید اسلام را عزیز گرداند، هر ستمگر عناد پیشه ای را در هم خواهد شکست و او بر آنچه بخواید تواناست و می تواند امت را بعد از تباهی، اصلاح فرماید - و حالشان را نیکو گرداند - ای حذیفه: اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند همان یک روز را، آن چنان طولانی خواهد کرد که مردی از اهل بیت من به حکومت رسد، به دست او پیشامدهایی عجیب به وقوع می پیوندند و خداوند - به دست او - اسلام را پیروز می کند و در وعده هایش خلاف نمی کند، و او محاسبه گری سریع است.

[ صفحه ۳۹ ]

۱۰- اخرج الحسن بن سفیان، و ابو نعیم، عن ابی هریره، قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: لو لم یبق من الدنیا الا لیلہ، لیملک فیها رجل من اهل بیتی. [۱۰].

حسن بن سفیان و ابونعیم، از ابوهریره، نقل کرده اند که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اگر از عمر دنیا جز یک شب باقی نمانده باشد، خداوند در همان یک شب، مردی از اهل بیت مرا به حکومت خواهد رسانید.

۱۱ - اخرج الرویانی فی مسنده و ابو نعیم عن حذیفه، قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: المهدی رجل من ولدی، لونه لون عربی، و جسمه اسرثیلی، علی خده الایمن خال کانه کوب دری، یملا الارض عدلا کما ملئت جورا و ظلما، یرضی فی خلافته اهل الارض و اهل السماء و الطیر فی الجو. [۱۱].

رویانی در کتاب مسند خویش،

و ابونعیم از حدیفه، نقل کرده اند که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مهدی علیه السلام مردی از فرزندان من است، رنگ رخساره اش، رنگ

[ صفحه ۴۰ ]

عربها و اندامش، اندام اسرائیلی هاست، [۱۲] بر گونه راستش خالی هست، که مانند ستاره ای درخشان است. زمین را از عدالت پر می سازد، چنانکه از ستم و حق کشی پر شده باشد، در زمان خلافت و رهبری او، زمینیان و آسمانیان و پرندگان فضا، راضی و خوشنود خواهند بود.

۱۲ - اخرج ابو نعیم عن الحسین علیه السلام ان النبی صلی الله علیه و آله و سلم قال لفاطمه: یا بنیه: المهدی من ولدک. [۱۳].

ابونعیم از حسین علیه السلام روایت کرده است، که همانا پیامبر صلی الله علیه و آله به فاطمه زهرا علیها السلام فرمودند: ای دخترک من! مهدی، از فرزندان توست.

۱۳ - اخرج ابن عساکر عن الحسین علیه السلام، ان النبی صلی الله علیه و آله و سلم قال: ابشری یا فاطمه! المهدی منک. [۱۴].

و ابن عساکر از حسین علیه السلام روایت کرده است، که همانا پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ای فاطمه: تو را بشارت باد، که مهدی علیه السلام از نسل تو است.

[ صفحه ۴۱ ]

۱۴ - اخرج الطبرانی فی الکبیر، و ابو نعیم عن الهلال، [۱۵] ان النبی صلی الله علیه و آله و سلم قال لفاطمه: و الذی بعثنی بالحق، منهما - یعنی الحسن و الحسین - مهدی هذه الامه. اذا صارت الدنيا هرجا و مرجا و تظاهرت الفتن و تقطعت السبل و اغار بعضهم علی بعض فلا

كبير یرحم صغیرا و لا صغیر یوقر کبیرا، یبعث الله عند ذلك منهما من یفتح حصون الضلاله و قلوبا غفلا، یقوم بالدين فی آخر الزمان، كما قمت به فی اول الزمان، و یملا الدنيا عدلا كما ملئت جورا. [۱۶].

طبرانی در کتاب الکبیر و ابونعیم از هلال - یا هلالی - نقل کرده اند، که پیامبر صلی الله علیه و آله به فاطمه علیها السلام فرمود: سوگند به آن که مرا به حقیقت، مبعوث گردانید، که مهدی این امت، از نسل این دو نفر است - اشاره به حسن علیه السلام و حسین علیه السلام - زمانی که دنیا آشفته گردد، و فتنه ها ظاهر شوند و راه ها کوتاه گردند و برخی مردم بر برخی دیگر هجوم آورند، نه بزرگسالان به خردسالان رحم کنند، و نه خردسالان به بزرگسالان، احترام نهند، در آن زمان خداوند از نسل این دو، کسی را بر می انگیزد که حصارهای گمراهی را می گشاید و دل های غفلت زده را بیدار می کند و در آخر الزمان دین را به پا می دارد، چنانکه من در ابتدا، آن را به پا داشتم و دنیا را از عدالت پر می سازد چنانکه از ستم پر شده باشد.

[ صفحه ۴۲ ]

۱۵- اخرج ایضا - یعنی نعیم بن حماد - عن علی و عائشه، عن النبی صلی الله علیه و آله و سلم قال: المهدي رجل من عترتی، یقاتل علی سنتی كما قاتلت انا علی الوحی. [۱۷].

نیز او (نعیم بن حماد) از علی علیه السلام و عایشه، از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده است

که فرمود: مهدی، مردی از خاندان من است. او بر طبق سنت من - با مخالفین - می جنگد، چنانکه من بر طبق وحی الهی می جنگیدم.

۱۶ - اخرج ایضا عن علی علیه السلام قال: المهدي رجل منا، من ولد فاطمه. [۱۸].

نیز او (نعیم بن حماد) از علی علیه السلام نقل کرده است که فرمود: مهدی علیه السلام مردی از - نسل - ما، از فرزندان فاطمه علیها السلام است.

۱۷ - اخرج الطبرانی، عن عوف بن مالک ان النبی صلی الله علیه و آله و سلم قال: یجی ء فتنه غبراء مظلمه، تتبع الفتن بعضها بعضا حتی یخرج رجل من اهل بیتی یقال له المهدي، فان

[ صفحه ۴۳ ]

ادرکته فاتبعه، و کن من المهتدين. [۱۹].

طبرانی از عوف بن مالک، نقل کرده است، که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: فتنه ای سخت، تیره و تاریک فرا می رسد، فتنه ها پشت سر هم - بر مردم - وارد می شوند، تا اینکه مردی از اهل بیت من قیام کند، که مهدی خوانده می شود. اگر او را دریافتی، پیروش باش، تا از هدایت یافتگان باشی.

۱۸ - اخرج الدانی عن الحکم بن عیینه، قال: قلت لمحمد بن علی: سمعت انه سیخرج منکم رجل يعدل فی هذه الامه. قال: انا نرجو ما یرجو الناس، و انا نرجو لو لم یبق من الدنيا الا یوم لطول الله ذلک الیوم حتی یکون ما ترجوه هذه الامه، و قبل ذلک فتن شر فتنه یمسی الرجل مومنا و یصبح افرا، و یصبح مومنا و یمسی کافرا، فمن ادرك ذلک منکم فلیتق الله

و لیکن من احلاس بیته. [۲۰].

دانی از حکم بن عینه، نقل کرده است، که گفت: به محمد بن علی عرضه داشتیم، شنیدم که از نسل شما، مردی ظهور می کند، که در این امت عدالت را بر پا می دارد. فرمود: همانا ما به همان چیزی که مردم امید دارند، امید بسته ایم. و

[ صفحه ۴۴ ]

امیدواریم که اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند همان یک روز را آن چنان طولانی کند که آنچه را این امت به آن امید بسته اند، تحقق پذیرد و قبل از آن بدترین فتنه ها پدید می آید، چنانکه شخصی از برخی مردم، در شب مومن است و صبح که می شود، کافر شده است، یا در صبح مومن است و شب که می رسد کافر گردیده است، پس اگر کسی از شما، به چنین فتنه ای گرفتار شد، باید تقوای الهی پیشه کند و باید کناره گزینی و خانه نشینی اختیار کند.

۱۹ - عن عمار بن یاسر: اذا قتلت النفس الزکیه، و اخوه تقتل بمکه ضیعه، نادى مناد من السماء: ان امیرکم فلان، و ذلک المهدی، الذی یملا الارض حقا و عدلا اخرجہ الامام ابو عبد الله نعیم بن حماد فی کتاب الفتن. [۲۱].

امام ابو عبد الله نعیم بن حماد در کتاب الفتن از عمار بن یاسر نقل کرده است: زمانی که نفس زکیه کشته شود، و برادرش در مکه به نبردی شدید پردازد، ندا دهنده ای از آسمان ندا دهد، که امیر و فرمانروای شما فلانی است و او همان مهدی است، کسی که زمین را از حقیقت

۲۰- اخرج الطبرانی فی الاوسط عن طلحه بن عبید الله، عن النبی صلی الله علیه و آله و سلم: ستکون فتنه، لا یهدا منها جانب الا جاش منها جانب، حتی ینادی مناد من السماء: ان امیرکم فلان. [۲۲].

طبرانی در کتاب الاوسط از طلحه بن عبیدالله، از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده است: فتنه ای خواهد بود، هنوز طرفی از این فتنه، آرام نگرفته که طرف دیگری بر می شورد - قسمتی از آن آرامش نیابد مگر آن که قسمتی دیگر از آن، بر می آشوبد -، تا آنکه ندا دهنده ای از آسمان ندا در می دهد: همانا امیر و فرمانروای شما فلانی است.

۲۱- اخرج ابو نعیم، و الخطیب فی تلخیص المتشابه عن ابن عمر، قال: قال رسول صلی الله علیه و آله و سلم: ینخرج المهدی و علی راسه ملک ینادی: ان هذا مهدی فاتبعوه. [۲۳].

ابونعیم و خطیب در کتاب تلخیص المتشابه از ابن عمر نقل کرده اند که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مهدی قیام می کند، در حالی که بالای سر او فرشته ای ندا می دهد این مهدی است، از او پیروی کنید.

۲۲- أخرج ابو نعیم عن علی، قال: اذا نادى مناد من السماء: ان الحق فى آل محمد، فعند ذلك يظهر المهدى على أفواه الناس، و یشریون حبه، و لا یكون لهم ذکر غیره. [۲۴].

ابو نعیم از علی علیه السلام روایت کرده که فرمود:

زمانی که ندا دهنده ای از آسمان ندا می دهد

که: حق در خاندان محمد صلی الله علیه و آله و سلم است، در آن هنگام نام مهدی بر زبان های مردم آشکار می گردد و محبت او را به دل می گیرند و از غیر او یاد نمی کنند.

۲۳- أخرج أيضا (يعني نعيم بن حماد) عن شهر بن حوشب، قال: قال رسول الله - صلى الله عليه وسلم -:

في المحرم ينادى مناد من السماء: ألا ان صفوه الله من خلقه فلان، فاسمعوا له، أطيعوه في سنة الصوت المعمهه. [۲۵].

نیز او (نعیم بن حماد) از شهر بن حوشب نقل کرده است که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

در ماه محرم، ندا کننده ای از آسمان ندا می دهد: آگاه باشید که

[ صفحه ۴۷ ]

برگزیده خدا - از میان خلائق - فلانی است، پس فرمانش را گوش کنید و از او اطاعت کنید، در سالی که جنگ ها و فتنه ها فراوان است و سال صدای آسمانی است.

۲۴ - عن امير المؤمنين علي بن ابي طالب، قال: تختلف ثلاث رايات: رايه بالمغرب و رايه بالجزيره، و رايه بالشام تدوم الفتنه بينهم سنه - ثم ذكر خروج السفيناني و ما يفعله من الظلم و الجور، ثم ذكر خروج المهدي و مبايعه الناس له بين الركن و المقام، و قال: - يسير بالجيوش حتى يسير بوادي القرى في هدوء و رفق و يلحقه هناك ابن عمه الحسنی في اثني عشر الف فارس، فيقول له: يا ابن عم انا احق بهذا الجيش منك، انا ابن الحسن و انا المهدي. فيقول له المهدي: بل ان المهدي. فيقول له



الحسنی: هل لك من آیه فابایعك؟ فیومی ء المهدی الی الطیر فیسقط علی یدیه، و یغرس قضیبا فی بقعه من الارض فیخضر و یورق. فیقول له الحسنی: یا ابن عمی هی لك. [۲۶].

از امیرالمومنین علی بن ابی طالب نقل شده است، که فرمود: سه پرچم به مخالفت با یک دیگر برافراشته شود، پرچمی در

[ صفحه ۴۸ ]

مغرب و پرچمی در عربستان و پرچمی در شام، فتنه و جنگ بین آنها یک سال طول می کشد - سپس از قیام سفیانی و ظلم و ستمی که بر مردم روا می دارد، یاد کرد و پس از آن از ظهور و قیام حضرت مهدی علیه السلام و بیعت کردن مردم با او در بین رکن و مقام یاد نمود - و فرمود: لشکریان خویش را حرکت می دهد، تا در کمال آرامش و مدارا به وادی القری می رسند. در آنجا پسر عمویش [۲۷] سید حسنی همراه با دوازده هزار سوار به او می رسد و می گوید: ای پسر عمو: من به فرماندهی این لشکر سزاواتر از تو هستم، زیرا من فرزند امام حسن هستم و مهدی من هستم. حضرت مهدی علیه السلام به او می فرماید: بلکه من مهدی هستم. حسنی می گوید: آیا تو را نشانه و معجزه ای هست تا با تو بیعت کنم؟ پس حضرت مهدی علیه السلام به پرنده ای اشاره می نماید و پرنده در دستهایش قرار می گیرد و نی خشکی را می گیرد و در زمین می کارد، - بلافاصله - سبز می شود و برگ می دهد. آن زمان سید حسنی به او

عرض می کند: ای پسر عموی من، این مقام سزاوار توست.

۲۵ - اخرج نعیم و ابو نعیم، عن ابی سعید، قال: قال رسول

[ صفحه ۴۹ ]

الله صلی الله علیه و آله و سلم: یکون عند انقطاع من الزمان و ظهور من الفتن رجل یقال له المهدی، یکون عطاوه حثیا. [۲۸].

نعیم و ابونعیم، از ابوسعید نقل کرده اند، که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هنگامی که آخر الزمان شود - و یاس و ناامیدی رخ نماید - و فتنه ها ظاهر شود، مردی خواهد بود که مهدی نامیده می شود و بخشش و عطایایش ریزان و سرشار است.

۲۶ - اخرج ابو نعیم، عن عبد الرحمن بن عوف، قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: یکون عند انقطاع من الزمان لیبعث الله من عترتی رجلا، افرق الثنایا، اجلی الجبهه، یملا الارض عدلا، یفیض المال فیضا. [۲۹].

ابونعیم از عبدالرحمن بن عوف نقل کرده است که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هنگامی که آخر الزمان شود - یاس و ناامیدی و قحطی رخ نماید - به تحقیق خداوند مردی از خاندان مرا بر خواهد انگیخت، دندان های

[ صفحه ۵۰ ]

پیشینش فاصله دار و جینش گشاده است. زمین را از عدالت پر می سازد، و مال فراوان می بخشد.

۲۷ - اخرج احمد و مسلم عن ابی سعید و جابر، عن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم قال: یکون فی آخر الزمان خلیفه یقسم المال و لا یعده. [۳۰].

احمد و مسلم از ابوسعید و جابر،

از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده اند که آن حضرت فرمود: در آخر الزمان خلیفه ای خواهد بود که مال را بدون اینکه بشمارد، تقسیم می کند.

۲۸ - عن حذیفه بن الیمان، عن النبی صلی الله علیه و آله و سلم فی قضیه المهدی علیه السلام مبايعته بین الرکن و المقام، و خروجه متوجها الی الشام، قال: و جبرئیل علی مقدمته، و میکائیل علی ساقته، یفرح به اهل السماء و الارض، و الطیر و الوحش، و الحیتان فی البحر اخرجہ ابو عمر و عثمان بن سعید المقرئ فی سننه. [۳۱].

حذیفه یمانی، از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده که آن حضرت - درباره قضیه حضرت مهدی علیه السلام و بیعت کردن مردم با او در بین رکن و مقام

[ صفحه ۵۱ ]

خانه کعبه و خروج او به سوی شام - فرمود: و جبرئیل در راس پیشاهنگان لشکر و میکائیل در راس دنباله داران لشکر او قرار دارند، آسمانیان و زمینیان و پرندگان و حیوانات وحشی و ماهیان دریا، همگی به ظهور او شاد می شوند. این روایت را، ابو عمر و عثمان بن سعید مقرئ نیز در کتاب سنن خود نقل کرده اند.

۲۹ - اخرج احمد و الباوردی فی المعرفه، و ابو نعیم عن ابی سعید، قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: بشراکم بالمهدی، رجل من قریش من امتی علی اختلاف من الناس و زلازل، فیملأ الارض قسطا و عدلا کما ملئت جورا و ظلما، و یرضی عن ساکن السماء و ساکن الارض، و یقسم المال صحاحا بالسویه بین الناس،

و يملا قلوب امه محمد غنى، و يسعهم عدله حتى انه يامر مناديا فينادى: من له حاجه؟ فما ياتيه احد الا رجل واحد، ياتيه يساله، فيقول: ائت السادن، يعطيك. فياتيه، فيقول: انا رسول المهدي اليك لتعطيني مالا، فيقول: احث. فيحثي، فلا يستطيع ان يحملة. فيلقى حتى يكون قادر ما يستطيع ان يحملة فيخرج به و يندم، فيقول: انا كنت اجشع امه محمد نفسا، كلهم دعى الى هذا المال فتركه غيرى، فبرده عليه، فيقول: انا لا نقبل

[ صفحه ۵۲ ]

شيئا اعطيناه فيلبث في ذلك ستا او سبعا او تسع سنين، و لا خير في الحياه بعده. [۳۲].

احمد و باوردی در کتاب المعرفه و ابونعیم از ابوسعید، نقل کرده اند که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: شما را به مهدی بشارت باد، مردی از قریش، از بین امت من، در زمانی که مردم باهم به مخالفت و ستیز بر می خیزند و زلزله ها روی می دهد، او زمین را از عدالت و برابری پر می سازد، چنانکه از ظلم و جور پر شده باشد. آسمانیان و ساکنان زمین، از او راضی و خشنود می شوند. او مال را به درستی و برابری بین مردم تقسیم می کند و دل های امت محمد صلی الله علیه و آله را از بی نیازی می آکند و عدالت او همگان را شامل می شود، تا آنجا که فرمان می دهد ندا دهنده ای ندا در دهد: کیست که نیازی داشته باشد؟ پس هیچ کس جز یک مرد به نزد او نمی آید. مرد نزد او می آید و درخواست می کند، می

فرماید: به نزد نگهبان پرده دار برو، به تو [نیازت را] می دهد. به نزد او می رود و می گوید: من فرستاده مهدی هستم، نزدت آمده ام که مالی به من عطا کنی. پس می گوید: بریز و آن قدر از مال به دامنش می ریزد که نمی تواند آن را حمل کند. پس مال را بیرون می برد، در حالی که پشیمان است و با خود می گوید: من طمعکارترین و حریص ترین فرد از امت محمد صلی الله علیه و آله بودم، همه آنان به این مال فرا خوانده شدند، اما

[ صفحه ۵۳ ]

جز من کسی آن را قبول نکرد. پس باز می گردد و پول ها را به نگهبان پس می دهد، او می گوید: ما چیزی را که به کسی بخشیدیم، باز پس نمی گیریم. پس آن حضرت، در چنان حکومتی شش یا هفت یا نه سال درنگ می کند و بعد از او، خیری در زندگانی نیست.

۳۰ - اخرج ایضا عن عبد الله، عن ابي سعيد، عن النبي صلی الله علیه و آله و سلم: المهدي منا، اجلی الجبهه، اقنی الانف. [۳۳].

نیز او (نعیم بن حماد)، از عبدالله از ابوسعید، از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده است که آن حضرت فرمود: مهدی از نسل ماست، گشاده پیشانی است و وسط بینی او قدری بر آمده است.

۳۱ - اخرج نعیم بن حماد عن ابي سعيد الخدری، قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: ستكون بعدی فتن، منها فتنه الاحلاس، یکون فیها حرب و هرب، ثم بعدها فتنه اشد

منها، ثم تكون فتنه. كلما قيل انقطعت تمادت حتى لا يبقى بيت الا دخلته، و لا مسلم الا ملته حتى يخرج رجل من عترتي. [۳۴]

[ صفحه ۵۴ ]

نعیم بن حماد از ابوسعید خدری نقل کرده است که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: پس از من فتنه هایی رخ خواهد داد. یکی از آن فتنه ها، فتنه تنگدستی و بیچارگی و خانه نشینی خواهد بود. در آن فتنه، جنگ و گریزها به وقوع می پیوندد، و بعد از آن فتنه ای سخت تر و پس از آن فتنه ای دیگر خواهد بود. هر چه گفته می شود دیگر فتنه به پایان رسید، گسترش بیشتر می یابد، تا جائی که هیچ خانه ای نمی ماند، مگر آن که فتنه ای، آن را در بر می گیرد و هیچ مسلمانی نیست، مگر آن که فتنه ها او را دلزده و دلتنگ ساخته باشد. تا این که مردی از خاندان من قیام کند.

۳۲- اخرج نعیم عن علی، قال: لا يخرج المهدي حتى يقتل ثلث، و يموت ثلث، و يبقى ثلث. [۳۵].

نعیم از علی علیه السلام روایت کرده است که آن حضرت فرمود: مهدی، قیام نخواهد کرد، تا زمانی که یوم سوم مردم کشته شوند، یک سوم دیگر بمیرند و - تنها - یک سوم آنها باقی بمانند.

[ صفحه ۵۵ ]

۳۳- اخرج ابن ابی شیبہ عن مجاهد، قال: حدثني فلان - رجل من اصحاب النبي صلی الله علیه و آله و سلم،: ان المهدي لا يخرج حتى تقتل النفس الزكية، فاذا قتلت النفس الزكية غضب عليهم من في السماء

و من فی الارض، فاتی الناس، فزفوه کما تزف العروس الی زوجه لیلہ عرسها و هو یملأ الارض قسطا و عدلا و تخرج الارض نباتها و تمطر السماء مطرها و تنعم امتی فی ولایتہ نعمه لم تنعمها قط. [۳۶].

ابن ابی شیبہ از مجاهد نقل کرده است که گفت: فلانی - مردی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله - برایم روایت کرد که: همانا مهدی علیه السلام قیام نخواهد کرد تا آن زمان که نفس زکیه کشته شود. وقتی نفس زکیه کشته شد، هر کس در آسمان و هر کس در زمین است بر کشندگان او، خشمگین می شوند. پس مردم می آیند و شادمانه گرداگردش می چرند. چنانکه در شب عروسی شادمانه گرد عروس می چرخند. و مهدی علیه السلام زمین را از عدل و داد پر می کند، و امت من در زمان ولایت و حکومت او از چنان نعمتی برخوردار می شوند که هرگز در گذشته از آن بهره مند نبوده اند.

[ صفحه ۵۶ ]

۳۴- اخرج ابو عمرو الدانی فی سننه عن حذیفه، قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: یلتفت المهدی و قد نزل عیسی بن مریم کانما یقطر من شعره الماء. فیقول المهدی: تقدم، صل بالناس. فیقول عیسی: انما اقیمت الصلاه لك. فیصلی خلف رجل من ولدی. [۳۷].

ابو عمرو دانی در کتاب سنن خویش از حذیفه، نقل کرده است، که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مهدی علیه السلام متوجه می شود که عیسی بن مریم نازل شده است و چنان است که گویا از موهایش، آب می

چکد - مهدی علیه السلام به او می فرماید: بفرما، پیش برو و با این مردم نماز بگزار. عیسی گوید: این نماز برای اقتدای به تو پیا داشته شده. پس پشت سر مهدی علیه السلام که مردی از فرزندان من است، نماز می خواند.

۳۵ - اخرج الطبرانی فی الاوسط، و الحاکم عن ام سلمه، قالت: قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: بیایع الرجل بین الرکن و المقام عده اهل بدر، فیا تیه عصائب اهل العراق و ابدال اهل الشام، فیغزوه

[ صفحه ۵۷ ]

جیش من اهل الشام حتی انتهوا بالبيداء خسف بهم. [۳۸].

طبرانی در کتاب الاوسط و حاکم، از ام سلمه، روایت کرده اند که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: عده ای به تعداد لشکریان بدر با آن مرد - مهدی علیه السلام - بین رکن و مقام کعبه، بیعت می کنند، پس جمعی از بزرگان اهل عراق و صالحین اهل شام به یاری او می آیند. پس لشگری از اهل شام با او و یارانش می جنگند، تا به منطقه ای به نام بیداء می رسند، زمین آنان را (لشگر شام) را در خود فرو می برد.

۳۶ - عن محمد بن الحنفیه - رضی الله عنه - قال: [۳۹] کنا عند علی علیه السلام، فساله رجل عن المهدی، فقال: هیهات، هیهات، ثم عقد بیده تسعا، فقال: ذلک یخرج فی آخر الزمان، و اذا قیل للرجل الله الله قیل، فیجمع الله له قوما قرعا کقرع السحاب یولف بین قلوبهم، لا یتوحشون علی احد، و لا یفرحون باحد، دخل فیهم علی عده اصحاب بدر، لم



يسبقهم الاولون ولا يدرکهم الاخرون، و علی عدد اصحاب طالوت الذين جاوزوا النهر معه. [۴۰].

[ صفحه ۵۸ ]

نعیم از محمد بن حنفیه نقل کرده است، که گفت: نزد علی علیه السلام بودیم، پس مردی از او درباره مهدی علیه السلام سوال کرد، آن حضرت فرمود: هیات، چقدر دور است! سپس با دستش نه عدد شمرد [۴۱] و بعد فرمود: او در آخر الزمان ظهور خواهد کرد و در زمانی که درباره اش گفته شود: خدا را، خدا را، که او کشته شده است، [۴۲] پس خداوند برای او، از جای جای زمین گروهی را که همچون قطعه های ابر پراکنده اند، گرد هم می آورد و بین دلهایشان الفت و پیوند ایجاد می کند، به گونه ای که از هیچ کس نمی هراسند و به هیچ کس شادمان نمی شوند. به تعداد اصحاب بدر در این گروه وارد می شوند، کسانی که پیشینیان بر آنان سبقت نگرفته و پسینیان توفیق درک و

[ صفحه ۵۹ ]

وصول به آنان را نمی یابند و آنان به تعداد اصحاب طالوت اند که با او از نهر گذشتند.

۳۷ - اخرج ابن ماجه و الطبرانی عن عبد الله بن الحارث ابن جزء الزبیدی، قال: قال رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم: يخرج ناس من المشرق، فيوطنون للمهدي سلطانه. [۴۳].

ابن ماجه و طبرانی از عبدالله بن حارث بن جزء زبیدی نقل کرده اند، که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: مردمی از مشرق زمین قیام می نمایند و برای سلطنت و حکومت حضرت مهدی علیه السلام زمینه سازی می

کنند.

۳۸ - اخرج ابو غنم الكوفی فی كتاب الفتن، عن علی بن ابی طالب، قال: ویحا للطالقان، فان الله بها کنوز لیست من ذهب و لا فضه، و لكن بها رجال عرفوا الله حق معرفته و هم انصار المهدی فی آخر الزمان. [۴۴].

ابوغنم کوفی در کتاب فتن از علی بن ابی طالب علیه السلام، روایت کرده است، که آن بزرگوار فرمود:

[ صفحه ۶۰ ]

آه از طالقان - رحمت باد بر طالقان - خدا را در آن شهر گنجینه هایی است که از طلا و نقره نیستند، بلکه در آن مردانی هستند که خدا را به حقیقت معرفت شناخته اند و آنان در آخر الزمان، یاوران مهدی علیه السلام خواهند بود.

۳۹ - اخرج ابو نعیم عن ابی سعید، قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: منا الذی یصلی عیسی بن مریم خلفه. [۴۵].

ابونعیم از ابوسعید نقل کرده است که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: از نسل ماست آن کسی که عیسی بن مریم پشت سر او نماز می خواند.

۴۰ - اخرج ابو بکر الاسکافی فی فوائد الاخبار، عن جابر بن عبد الله، قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: من کذب بالدجال فقد کفر و من کذب بالمهدی فقد کفر. [۴۶].

ابوبکر اسکافی، در کتاب فوائد الاخبار از جابر بن عبدالله نقل کرده است که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی که دجال را تکذیب کند کافر شده و کسی که مهدی علیه السلام را تکذیب کند کافر شده است.

]

خدای تعالی را سپاس می گویم که مرا به نقل این چهل مورد از بین احادیث وارد شده درباره حضرت مهدی علیه السلام شرافت و توفیق بخشید. کسی که در این باره، خواستار احادیثی بیشتر و بحثی گسترده تر است می تواند در کتاب های مسانید و جوامع و کتاب های مبسوطی چون بحار الانوار و العوالم و کتاب کمال الدین از شیخ صدوق و غیبت از شیخ طوسی و کفایه الاثر و کتاب ما منتخب الاثر به بررسی و تحقیق پردازد. الحمد لله رب العالمین.

۱۲ رجب الخیر ۱۴۰۱ قم مقدسه لطف الله صافی گلپایگانی

پاورقی

[۱] ص ۸۹، باب ۲، حدیث ۱.

[۲] ص ۸۹، باب ۲، حدیث ۲.

[۳] ص ۸۹، باب ۲، حدیث ۳.

[۴] ص ۹۰، باب ۲، حدیث ۵.

[۵] ص ۹۱، باب ۲، حدیث ۷.

[۶] ص ۹۱، باب ۲، حدیث ۸.

[۷] ص ۹۱ و ۹۲، باب ۲، حدیث ۱۰.

[۸] ص ۹۲، باب ۲، حدیث ۱۱.

[۹] ص ۹۲، باب ۲، حدیث ۱۲.

[۱۰] ص ۹۲، باب ۲، حدیث ۱۳.

[۱۱] ص ۹۳ و ۹۴، باب ۲، حدیث ۱۶.

[۱۲] یعنی از نظر جثه و طول قامت مثل آنهاست.

[۱۳] ص ۹۴، باب ۲، حدیث ۱۷.

[۱۴] ص ۹۴، باب ۲، حدیث ۱۷.

[١٥] فى بعض النسخ الهلالى.

[١٦] ص ٩٤ و ٩٥، باب ٢، حديث ١٩.

[١٧] ص ٩٥، باب ٢، حديث ٢١.

[١٨] ص ٩٥، باب ٢، حديث ٢٣.

[١٩] ص ١٠٣، باب ٤، فصل اول، حديث ٢.

[٢٠] ص ١٠٤، باب ٤، فصل ١، حديث ٧.

[٢١] ص ١١٢، باب ٤، فصل

۲، حدیث ۷.

[۲۲] ص ۷۱، باب ۲، حدیث ۱.

[۲۳] ص ۷۲، باب ۱، حدیث ۲.

[۲۴] ص ۷۳، باب ۱، حدیث ۴.

[۲۵] ص ۷۵، باب ۱، حدیث ۹.

[۲۶] ص ۷۶ و ۷۷، باب ۱، حدیث ۱۵.

[۲۷] از اینکه در این روایت، چند مورد تصریح شده است که سید حسنی - که از نسل امام حسن علیه السلام است - حضرت مهدی علیه السلام را به عنوان پسر عمو خطاب می کند، می توان استفاده کرد، که قائم آل محمد صلی الله علیه و آله از نسل امام حسین علیه السلام می باشد، چنانکه عقیده همه علمای شیعه و بسیاری از بزرگان اهل سنت است و در کتاب های مختلف از جمله منتخب الاثر مجموعه ای از روایات اهل تسنن و تشیع در این باره نقل شده است.

[۲۸] ص ۸۴، باب ۱، حدیث ۳۳.

[۲۹] ص ۸۴، باب ۱، حدیث ۳۲.

[۳۰] ص ۸۳، باب ۱، حدیث ۲۸.

[۳۱] ص ۷۷، باب ۱، حدیث ۱۶.

[۳۲] ص ۷۹ و ۸۰، باب ۱، حدیث ۲۱.

[۳۳] ص ۹۹، باب ۳، حدیث ۳.

[۳۴] ص ۱۰۳، باب ۴، فصل ۱، حدیث ۳.

[۳۵] ص ۱۰۳ و ۱۰۴، باب ۴، فصل ۲، حدیث ۴.

[۳۶] ص ۱۱۲، باب ۴، فصل ۲، حدیث ۶.

[۳۷] ص ۱۶۰، باب ۹، حدیث ۹.

[۳۸] ص ۱۱۷، باب ۴، فصل ۲، حدیث ۱۸.

[۳۹] یعنی: و اخرج نعيم عن محمد بن الحنفیه.

[۴۰] ص ۱۴۴، باب ۶، حدیث ۸.

[۴۱] درباره اینکه، این نه بار، باز و بسته کردن دست، یا شمردن نه عدد با دست، (عقد

بیده تسعا) چه مفهومی دارد، گفته شده است، که حضرت علی علیه السلام به این وسیله، خواستند اشاره ای داشته باشند به اینکه تعداد امامان معصوم از نسل حسین علیه السلام نه نفر است که نهمین آنان مهدی علیه السلام است، از این رو وقتی به نهمین شماره رسیدند فرمودند: ذلک یخرج فی آخر الزمان.

[۴۲] عبارت متن کتاب عبارتست از: الله الله قیل یعنی خدا را، خدا را، گفته شده است. لکن ظاهر اینست که عبارت صحیح به این گونه باشد: الله الله قتل یعنی خدا را، خدا را، او کشته شده است. با این همه در کشف الاستار به گونه ای دیگر آمده است: اذا قال الرجل: الله تعالی قتل یعنی مردی گوید که خدا او را کشته است. و افزوده است که حافظ ابو عبدالله حاکم در کتاب مستدرک خود آن را نقل کرده و گفته است که این حدیث، بر مبنای بخاری و مسلم صحیح شمرده می شود، اگر چه خود آن دو ذکری از آن ندارند.

[۴۳] ص ۱۴۷، باب ۷، حدیث ۲.

[۴۴] ص ۱۵۰، باب ۷، حدیث ۱۴.

[۴۵] ص ۱۵۸، باب ۹، حدیث ۱.

[۴۶] ص ۱۷۰، باب ۱۲، حدیث ۲.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری



۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقاتی و ترجمانی

اصفهان

گام‌های

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹